پنجشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

محمدسعید احدیان، دستیار سیاسی و رسانه‌ای قالیباف در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

مجمع و دولت می‌گویند زیرساخت‌های اجرای شفافیت وجود ندارد

در مجلس بعدی تنوع و تکثر بیشتری وجود دارد

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

مجلس پس از کنار گذاشتن طرح شفافیت آرا، شفافیت قوای سه‌گانه را در دستور کار قرار داد. این طرح پس از کش و قوس‌های فراوان نهایتا به دیوار هیات عالی نظارت برخورد کرده و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام دلیل مخالفت را گلایه‌مندی رئیس جمهور و نبود زیرساخت عنوان کرده است. دلیلی که برخی نمایندگان و همچنین چهره‌های نزدیک به رئیس مجلس با آن مخالفند. برای بررسی چالش‌های طرح شفافیت قوای سه‌گانه و موانع تصویب آن با محمدسعید احدیان، دستیار سیاسی و رسانه‌ای رئیس مجلس به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. احدیان ضمن انتقاد از رویه مجمع تشخیص مصلحت نظام در مواجهه با طرح شفافیت قوای سه‌گانه مجمع را عامل تاخیر غیرمعقول ۹ ماهه در روند بررسی طرح شفافیت قوای سه‌گانه دانسته و معتقد است «در مجلس بعدی تنوع و تکثر بیشتری وجود دارد، جریان علی لاریجانی در مجلس قوی‌تر می‌شود و اگر شفافیت قوای سه‌گانه در این مجلس تصویب نشود در مجلس بعد نیز به تصویب نمی‌رسد.» مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

موانع عدم تصویب شفافیت قوای سه‌گانه چیست؟

مهم‌ترین مساله در مورد شفافیت این است که خیلی بی‌دلیل به تاخیر افتاده است. دلایلی که برای عدم تصویب شفافیت اعلام شده دلایل معقولی نیست. حدود ۹ ماه پیش شورای نگهبان طرح شفافیت قوای سه‌گانه را تصویب کرده بود و شورای عالی مجمع اعلام کرد که دو بند شفافیت که مربوط به مجمع تشخیص است باقی مانده است. الان من کاری ندارم که چه فرآیندی طی شده اما بحث‌های جدید مجمع نشان می‌دهد که ما به ۹ ماه قبل برگشته‌ایم. اگر قرار به اعلام چنین مخالفتی بود هیات عالی مجمع می‌توانست ۹ ماه قبل نظر خود را بدهد و ما جلو بودیم چراکه اجلاس مجلس می‌توانست حداقل منجر به نهایی شدن شفافیت آرای نمایندگان شده و این بخش تمام شود و معطل نماند. پس مساله اول تاخیر در تصمیم‌گیری است. این مواجهه شفافیت را از حیز انتفاع خارج می‌کند. البته ۲۰۰ نفر از نمایندگان مجلس خودشان دارند مصوبات‌شان را اجرا می‌کردند و قرار نیست همه ۲۹۰ نفر نماینده موافق یک قانون و طرح باشند. ۲۰۰ نفر بیش از دو سوم تعداد نمایندگان را تشکیل می‌دهند و این نشان می‌دهد که مجلس موافق شفافیت است.

اگرچه نمایندگان موافق شفافیت برای پاسخگویی به مطالبه عمومی راهکار شفافیت اختیاری را در پیش گرفته‌اند اما شاهد هستیم که در برخی موارد مهم همچون «رای اعتماد به وزرا» آرای‌شان غیرشفاف است؟ آیا این مواجه صادقانه برداشت می‌شود؟

شفاف است دیگر، اگر هم مواردی شفاف نمی‌شود به این دلیل است که احتمالا مشکل فنی دارد و روال دست نمایندگان نیست. نماینده‌ها در نامه زدند و اعلام کردند که چه مصوباتی شفاف شود. برخی مصوبات به طور کلی رای‌گیری کتبی دارد. این مصوبات طبعا در سامانه نمی‌رود و شفاف هم نیست و محرمانه باقی می‌ماند. تمام مصوباتی که به صورت الکترونیک رای‌گیری می‌شود برای نمایندگانی که اعلام کرده‌اند در سامانه منتشر می‌شود.

موارد مختلفی از جمله طرح انتخابات تناسبی وجود دارد که نشان می‌دهد در مقابل برخی اصلاحات کلان در کشور مقاومتی از جانب برخی تصمیم‌گیران وجود دارد که شاید ریشه در نگرانی از تبعات منفی طرح باشد. محافظه‌کاری شاید کلمه مناسبی برای این امر باشد. آیا به نظر شما اجرای مدل‌های کوچک و کم‌هزینه برای اعمال چنین اصلاحاتی نمی‌تواند چنین ترسی را مهار کند؟ مثلا اگر مجلس ابتدا طرح شفافیت آرا که وعده آن را داده بود به تصویب می‌رساند بعدا با استناد به اثرات مطلوب این طرح می‌توانست سایر دستگاه‌ها را برای اجرای شفافیت بهتر قانع کند؟

تصمیم بر همین شد که در تهران به عنوان نمونه انتخابات تناسبی برگزار شود. طرح ابتدایی این بود که در شهرهای دارای چهار نماینده به بالا انتخابات تناسبی برگزار شود. از آنجایی که در شیوه تناسبی نیاز به برگزاری الکترونیک انتخابات است برای اطمینان در مورد توانایی در شیوه برگزاری الکترونیک آن مدلی طراحی شد که انتخابات به صورت آزمایشی در تهران برگزار شود. اما مجمع نسبت به تناسبی ایراد داشت و همین امر باعث شد بند مرتبط به این موضوع از قانون بیرون بیاید تا مانع از تصویب بقیه مواد طرح اصلاح قانون انتخابات نشود. در مورد شفافیت آرا هم باید توضیح داد که آقای قالیباف به عنوان رئیس مجلس موافق طرح شفافیت آرا بود. به همین دلیل نیز خود آقای قالیباف آن طرح را امضا کرد در حالی که روال عرفی این است که روسای مجلس هیچ طرحی را امضا نمی‌کنند. اما این طرح را خود ایشان به عنوان اولین نفر امضا کرد. برای تامین نظر نمایندگان اصلاحاتی روی طرح اعمال شد و نهایتا با رایزنی‌های بسیار گسترده نزدیک به دو سوم نمایندگان به آن رای دادند و تنها سه رای کم داشت. نزدیک به دو سوم نمایندگان موافق شفافیت آرا نمایندگان بدون اشاره به بقیه بخش‌ها بودند و اعتقاد این بود که پس از تصویب شفافیت آرا می‌شود به سراغ دیگران نیز رفت. باید اشاره کرد که همه نمایندگان در زمان انتخابات وعده شفافیت نداده بودند و عده‌ای از آنها مخالف بودند. در ماجرای کسب دو سوم آرا که تنها سه رای کم داشت فضایی در مجلس ایجاد شد که بیشتر نمایندگان متاثر از آن فضا نظرشان این شد که اگر قرار است شفافیت در مجلس اتفاق بیفتد در بقیه جاها نیز همین اقدام باید صورت گیرد. یک طیفی مثل آقای قالیباف مخالف این امر بودند. اما بالاخره مجلس است دیگر اما علی‌رغم رایزنی همه به این امر راضی نبودند و این امکان وجود داشت که پس از رای‌گیری مجدد تعداد موافقان از دفعه اول هم کمتر شود چراکه بسیاری از نمایندگان موافق شفافیت نیز نظرشان این بود که همه شفاف شوند. اینجا این اتهام مطرح شد که مجلس می‌خواهد با طرح شفافیت قوای سه‌گانه کاری کند که شفافیت کلا تصویب نشود. مساله این بود که این اتهام درست نبود.

حتی اگر این اتهام وارد نباشد بالاخره یک سوم نمایندگان مخالفان شفافیت آرا بودند و زمانی که این قشر را بخواهیم مورد انتقاد قرار دهیم طبعا به جای لیست کردن اسامی ۹۰ نفر باید از کلمه مجلس استفاده کنیم و اینکه افکار عمومی مجلس را به آقای قالیباف می‌شناسد تقصیر منتقد نیست.

این غلط است که همه تصمیمات مجلس به آقای قالیباف ربط داده شود و این توقع درست نیست که ایشان بتواند حتما دو سوم نمایندگان را قانع بکند. این توقع در مورد نزدیک به دو سوم نمایندگان محقق شد و تنها سه نفر مخالف بودند؛ اگر آقای الیاس نادران در مخالفت با شفافیت آرا صحبت نمی‌کرد این طرح تصویب شده بود. آقای نادران که شنیده‌ام رای موافق هم به شفافیت قوای سه‌گانه داده است در آن جلسه به عنوان مخالف صحبت کرد و سه رای برای تصویب طرح کم آمد. شخصی مثل آقای نادران که در آن مقطع اعتبار قابل توجهی در فراکسیون انقلاب داشت می‌توانست تاثیرگذار باشد. پیش‌بینی نمی‌شد که فردی مثل ایشان بخواهد از طرح انتقاد کند. نکته اصلی این است که مجلس یازدهم در عین حال که آقای قالیباف در آن دارای نفوذ است نمایندگانی مخالف ایشان را در خود جای داده است که در انتخابات مجلس تهران با او در یک لیست قرار داشته‌اند. اینکه توقع داشته باشیم ۲۹۰ نفر نماینده مجلس را باید آقای قالیباف مدیریت کند غلط است.

زمانی که مجلس در مورد آرای خود قائل به برخی قیود محرمانگی است و همه مصوبات را شفاف نمی‌کند چگونه توقع دارد سایر نهادها الگوبرداری درستی داشته و فرآیندهای خود را شفاف کنند؟

در مورد بقیه نهادها نیز این مورد پیش‌بینی شده است. اگر پیش‌بینی نمی‌شد این حرف درست بود. این امکان لحاظ شده است تا دولت آن اطلاعاتی را که فکر می‌کند محرمانه است را منتشر نکند. اما حوزه‌های اقتصادی و قراردادهای منعقد شده باید شفاف باشد. بالاخره در این کشور تصمیم داریم با فساد مبارزه کنیم یا نه؟ اگر چنین تصمیمی داریم راه اصلی مبارزه با فساد شفافیت در حوزه‌های مالی است.

استدلالی که هیات عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام در رد این مدعا می‌آورد این است که به دلیل شرایط تحریمی برخی داده‌های اقتصادی نباید شفاف شود؛ چراکه در این صورت حلقه تحریمی تنگ‌تر می‌شود.

آن مواردی که محرمانگی دارد را منتشر نکند. دولت اگر قراردادهای نفتی را منتشر نکند کسی کاری با او ندارد.

این امر باعث نمی‌شود تا برخی با استدلال دور زدن تحریم برخی اطلاعات اقتصادی غیرمهم را نیز منتشر نکنند و عملا راه در رویی برای فرار از شفافیت وجود داشته باشد؟

نباید با استناد به این چالش کل طرح را رد کرد. ۹۰ درصد یک طرح اجرایی شود بهتر است که کل آن کنار گذاشته شود. ضمن آنکه آن ۱۰ درصد نیز منطقی است. همه چیز را که نمی‌شود شفاف کرد. بلکه اگر در مصوبه مجلس آمده بود که همه چیز باید شفاف شود رد کردن آن حتما درست بود اما الان این اتفاق نیفتاده است.

دیگر استدلالی که مجمع مطرح کرده این است که زیرساخت‌ها، بودجه و نیروی انسانی لازم برای اجرای طرح شفافیت قوای سه‌گانه وجود ندارد. آقای لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص هم مدعی شدند: «رئیس جمهور محترم، گلایه و شکایت کرده بود مبنی بر اینکه این مصوبه برای کار دولت مشکل ایجاد می‌کند.» آیا این ایراد را به طرح شفافیت قوای سه‌گانه وارد می‌دانید؟

خود دولت گفته است ما مخالف نیستیم و من نمی‌دانم ماجرا چیست. مجمع گفته است امکانات لازم را نداریم خب امکانات لازم را تامین کنند. زمانی که یک کار مهم می‌خواهد انجام شود امکاناتش نیز باید تامین شود.

این استدلال درست است اما زمانی که یک طرح بزرگ با دایره شمولیت کل کشور به وجود می‌آید طبیعی است نگرانی‌هایی نیز در مورد هزینه‌ها و امکان اجرای آن به وجود بیاید؟ به همین دلیل نیز پیشنهاد اجرای تدریجی و قانون‌نویسی برای اجرای شفافیت به صورت آزمایشی برای چند دستگاه و سپس گسترش دامنه آن به کل دستگاه‌ها به عنوان جایگزین ایده شفافیت ضربتی برای همه دستگاه‌ها پیشنهاد می‌شود.

در مورد چگونگی اجرا یا زمان‌بندی می‌توان ایراد گرفت و مطالبه اصلاح آن را مطرح کرد. اما اینکه بگوییم امکاناتش نیست و مخالفیم حرف درستی نیست.

شما در پاسخ‌هایتان اشاره کردید که مجمع اگر ایرادی به متن داشته می‌توانسته آن را قبل از اعلام نظر شورای نگهبان اعلام کند نه اینکه مصوبه را به ۹ ماه قبل برگرداند، آقای لاریجانی رئیس مجمع تشخیص این گزاره را این‌گونه پاسخ داده‌اند «مجمع درحال رسیدگی به این موضوع بود که از دفتر مقام معظم رهبری اطلاع دادند که ایشان نظری راجع به قوای دیگر دارند... برای بار دوم به خاطر همزمانی آن با بحث بودجه ۱۴۰۲ نتوانستیم رسیدگی کنیم و لذا مورد رد هیات عالی نظارت قرار نگرفت.» آیا معتقدید این استدلال قابل پذیرش نیست و مجمع در بررسی طرح شفافیت قوای سه‌گانه تعلل کرده است؟

طبق توضیح آقای آملی لاریجانی مجمع نتوانسته اشکالات وارده را به دلیل هم زمانی با بودجه پیگیری کند لذا مخالفت خودش را ابراز نکرده است. یعنی مخالفتش قدیمی بوده و مرتبط با امروز نیست. اما من فکر می‌کنم چون مساله بودجه پیش آمده احتمالا مجمع در مورد طرح شفافیت قوای سه‌گانه دچار فراموشی یا سهل‌انگاری شده است. از صحبت‌های آقای آملی لاریجانی واضح است که بالاخره این بررسی انجام نشده است. من جزئیات پشت پرده را نمی‌دانم و خبری ندارم اما طبق صحبت آقای لاریجانی آنچه در مورد نظر رهبر انقلاب مورد اشاره قرار گرفت این‌گونه قابل توضیح است «چون از نظر قانونی ۱۰ روز زمان برای پاسخگویی مجمع فرصت است و نظری دریافت نشده. شورای نگهبان نامه‌اش را رد و ایراداتش را گفته است. مجمع دیگر به لحاظ قانونی مجوز ورود به مساله را نداشته است به همین دلیل نیز مجوز ورود دوباره به مساله شفافیت قوای سه‌گانه را از رهبر انقلاب گرفته‌اند. این امر به معنی اینکه رهبر انقلاب نظری نفیا یا اثباتا در مورد طرح شفافیت قوای سه‌گانه داشته باشند نیست و صرفا مجمع می‌تواند دوباره به این موضوع ورود کند.» حالا بحث بر سر این است که مجمع پس از ورود چگونه تصمیم‌گیری کند. من می‌گویم تصمیمش غیرمنطقی است. ضمن اینکه این تصمیم را می‌توانست همان ابتدا بروز دهد تا وقت گرفته نشود و تکلیف ما جرا روشن شود و این همه زمان از دست نرود.

پس از اینکه آقای لاریجانی گفتند رئیس جمهور نسبت به طرح شفافیت قوای سه‌گانه گلایه‌مند است، بهادری جهرمی موضعی گرفته و گفتند «دولت در عمل موافق شفافیت است» دلیل این مواضع دوگانه را چه چیزی می‌دانید؟

من نقدم به این تصمیمی است که گرفته شده است. پشت این تصمیم دولت است یا مجمع من نمی‌دانم. آقای بهادری جهرمی می‌گویند دولت موافق است. اگر دولت موافق است پس چرا آقای آملی لاریجانی استدلال مخالفت رئیس جمهور را مطرح می‌کند. اگر دولت مخالف است پس تکلیف صحبت‌های آقای بهادری جهرمی چه می‌شود. من نمی‌دانم ماجرا چیست و این را باید از خود آنها پرسید. چیزی که من نسبت به آن منتقدم مصوبه‌ای است که منشأ آن یا دولت یا خود مجمع بوده است. طبق فرمایش آقای آملی منشأ این مخالفت دولت است و آقای آملی موضوع را رد می‌کند.

فکر می‌کنید شفافیت قوای سه‌گانه با چالش به وجود آمده تا انتهای عمر مجلس یازدهم به تصویب می‌رسد؟

استنباط من این است که طرح شفافیت قوای سه‌گانه در همین مجلس تصویب می‌شود اما به این شرط که مجمع در بررسی آن سریع‌تر عمل کند.

اگر فرآیند طولانی‌تر شود نمی‌شود پیگیری تصویب آن را به مجلس بعد سپرد؟

دیگر امکان ندارد شفافیت را کسی تصویب کند. از این مجلس بگذرد دیگر شفافیت قابل تصویب نیست. پیش‌بینی من این است که در مجلس بعدی تنوع و تکثر بیشتری وجود دارد و جریان آقای لاریجانی در مجلس قوی‌تر می‌شود و اگر شفافیت در این مجلس تصویب نشود بعید می‌دانم در مجلس بعد به تصویب برسد. در همین مجلس نیز رساندن شفافیت قوای سه‌گانه به این مرحله کار سختی بوده و ناشی از رایزنی‌های بسیار است. برداشت من این است که باید در این مجلس کار نهایی شود.

خطوط قرمز ساختارهای تربیتی؛ از وزارت تا مدرسه

ابراهیم راستیان
پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)

شکی نیست که مدرسه به عنوان یک تشکل اجتماعی که محتوای آن تربیتی است، ساختارش نیز باید تربیتی باشد. طبیعتا نمی‌توان تصور کرد که محتوایی تربیتی باشد ولی قالب و ساختار آن منافی و متضاد محتوای آن باشد. به مناسبت بازگشایی مدرسه و آغاز دوره‌ای دیگر از تربیت رسمی در انقلاب اسلامی خوب است چند خطی در مورد خط قرمزهای ساختارهای تربیتی اعم از ساختارهای کلان وزارت آموزش و پرورش تا ساختارهای خرد مثل مدرسه، قلم بزنم و اصول و قواعد این نوع از اجتماعات انسانی را بازکنم. تربیت جمعی انسان کنش‌گر باشعور و دارای اختیار یکی از پیچیده‌ترین حقایق عالم است و به تبع آن طراحی نهادی برای این حقیقت نیز از پیچیده‌ترین ساختارهای موجود در جوامع انسانی است. ساختارهای تربیتی به عنوان یک نهاد انسانی دارای خطوط قرمزی هستند که به واسطه آن اصول، به مدیریت و کنترل ساختارهای تربیتی پرداخته می‌شود. ساختارهای تربیت رسمی از جمله مدرسه باید خطوط قرمزی را برای طراحی ساختار خود بپذیرد که این اصول معماری سازمان، در امتداد مبانی و اصول تربیتی خود مدرسه است. شکی نیست که اگر مبانی و اصول تربیتی بخواهد به عرصه عمل برسد باید ساختار متناسب با آن طراحی شود و اساسا هر ساختاری نمی‌تواند، فرآیند بستر رشد انسان را فراهم کند. از سوی دیگر مبنایی‌ترین قسمت در معماری ساختار مدرسه، خطوط قرمز آن مدرسه است که تمام قوانین و قواعد آن براساس این اصول سازمانی شکل می‌گیرد. به همین جهت ضروری است که اصلی‌ترین اصول حاکم بر ساختارهای تربیتی را به اختصار بیان کنیم.

اصل راهبری

یکی از اصول اساسی در طراحی سازمان مساله راهبری است. همان طور که هر انسانی با صرف دستورات بیرونی رشد نمی‌کند و نیازمند به یک محرک درونی است، سازمان‌ها نیز با دستورات بیرونی و به تعبیری با دستورات بالا به پایین رشد نمی‌کنند، بلکه رشد سازمانی نیازمند محرکی درونی است که خودش را بسازد و رشد کند. طبیعتا در چنین ساختاری مدیریت سازمان به معنای استفاده حداکثری از بایدها و نبایدهای بالا به پایین برای کنترل ساختار، جای خودش را به راهبری تشکیلاتی می‌دهد که وظیفه خودش را تسهیل‌گری در فرآیند رشد ساختار می‌بیند و صرفا بسترهای رشد اعضای این اجتماع را فراهم می‌کند و با تفویض اختیارات حداکثری و استفاده حداقلی از بایدها و نبایدهای سازمانی افراد مجموعه را از ماشینی شدن نجات می‌دهد و زمینه ساخت نهاد تربیت به واسطه علم و اختیار خودش را فراهم می‌کند. طبیعتا در چنین سازمانی تشویق و تنبیه بسیار حداقلی خواهد بود و مدیر سازمان یک مربی تربیتی است که به دنبال تولی و دستگیری از افراد مجموعه خود است و به تبع آن صرفا خروجی برای این سازمان مهم نیست بلکه خود تربیت و رشد افراد نیز موضوعیت دارد.

اصل تناسب

اگر ساختاری بخواهد صرفا با عنوان اصل راهبری بر افرادش نظارت داشته باشد باید افراد آن سازمان به اندازه کافی رشد کرده باشند تا بتوانند بدون اعمال تشویق‌ها و تنبیه‌های بیرونی و با تکیه بر انگیزه‌های درونی حرکت کنند. طبیعتا تا زمانی که افراد به چنین بلوغی نرسیده باشند، نمی‌توان نگاه حداقلی به ساختار داشت. البته فراموش نکنیم که باید به سمت وضعیت مطلوب حرکت کنیم و اگر در این مسیر نباشیم، صرفا وضعیت موجود را تثبیت کرده‌ایم. طبیعتا متناسب با رشد نیروی انسانی باید و نبایدهای بیرونی کاهش پیدا کرده و تسهیلگری مدیران پررنگ‌تر می‌شود و این فرآیند تدریجی ادامه دارد تا ساختار تربیتی مطلوب محقق شود. بنابراین هر اندازه که نیروی انسانی ضعیف باشد نیاز به باید و نبایدهای بیرونی بیشتر است و هر اندازه که نیروی انسانی تقویت شود، مدیریت ساختارهای رسمی نقش تسهیلگری پیدا می‌کنند و عاملیت نیروی انسانی محوری‌تر می‌شود.

اصل ترتیب

براساس این اصل فرآیند خروج از وضعیت مشهور ساختارهای تربیتی که در آن کنترل بسیار پررنگ است، به سوی وضعیت مطلوبی که ساختار به عنوان بستر و تسهیلگر رشد معرفی می‌شود، نباید یک نگاه صفر و صدی وجود داشته باشد، بلکه باید فرآیند تدریج و ترتیب در آن رعایت شود. براساس این اصل نه تنها تناسب بین رشد مدیر و نیروی انسانی باید رعایت شود بلکه باید بتوانیم مراحل رشد و تقدم و تاخر بین مراتب رشد ساختارهای تربیتی را رعایت کنیم. اصل ترتیب به ما این حقیقت را یادآوری می‌کند تا زمانی که مرتبه‌ای تحقق پیدا نکند، مراتب بعدی نیز متحقق نمی‌شوند. طبیعتا عجله و بی‌صبری برای رسیدن به قله بدون عبور از مراتب پایین‌تر خطر انحراف از مسیر و سقوط در دره را چند برابر افزایش می‌دهد؛ خطری که به نحو کلی ساختار را منحرف و نیروی انسانی را از رسیدن به قله باز می‌دارد. البته لزوما این تقدم و تاخر زمانمند نیست، بلکه هر مرحله از رشد سازمانی که در تناسب بین مدیر و کارمند و ساختار و محیط شکل می‌گیرد، دارای مولفه‌هایی است که اگر آن مولفه‌ها تثبیت شد وارد مرحله بعدی رشد سازمانی می‌شود.

اصل انعطاف

یکی از ویژگی‌های ساختارهای پویا تغییر و تحول دائمی سازمان در راستای رسیدن به وضعیت مطلوب است. براساس این اصل هیچ تعصبی نسبت به وضع موجود وجود ندارد و دائما تلاش می‌شود که ساختار منعطف و نقدپذیر باشد و در فرآیند اصلاح دائمی قرار داشته باشد. هرچند که ساختار دائما در حال اصلاح و ویرایش خود است و اساسا فرآیند رشد خود را در بستر اصلاحی دائمی ساختار خود می‌داند اما این حقیقت به این معنا نیست که تجربه‌گرای صرف هست و هیچ مبنا و غایت مشخصی برای ساختار خود ندارد. منعطف بودن ساختار منافی غایتمند بودن نیست، کما اینکه فردی می‌خواهد به قله دماوند صعود کند، یقینا هدف در مقابل چشمان او است و ضرورتا مبتنی بر نقشه‌ای پیش می‌رود و هر لحظه به قله نزدیک‌تر می‌شود ولی با این حال دائما متناسب با شرایط موجود بهترین مسیر را انتخاب می‌کند و مسیر خودش را اصلاح می‌کند.

اصل عاملیت

یکی از اصول اساسی سازمانی که امروزه خیلی مورد توجه قرار گرفته است، تقدم عاملیت بر ساختار است. آن دسته از افرادی که معتقد به تقدم ساختار بر عاملیت هستند، معتقدند که باید ساختار از پیش طراحی شود و افراد در این ساختار از پیش طراحی شده جایابی شوند و به تعبیری بازیگران نقش خود را بیابند ولی در مقابل، تقدم عاملیت بر ساختار بر این حقیقت استوار است که ساختارهای از پیش طراحی شده باید بسیار حداقلی باشند و انسان‌ها براساس علم و اختیاری که دارند بتوانند به تدریج ساختارهای مورد نیاز خود را بسازند و به واسطه آنها رشد کنند و به رشد برسانند. اگر بخواهیم نیروی انسانی به عنصری غیرفعال ماشینی تبدیل نشود و اصطلاحا کرامت انسانی او حفظ شود، باید آنها را در فرآیند ساخت ساختار مورد نیاز خود فعال بدانیم. براساس این اصل، اصول کلی و اساسی سازمان و حتی کلیت ساختارهای سازمان از بالا به پایین طراحی می‌شود ولی ساختارهای جزئی در اختیار نیروی انسانی است. البته فراموش نکنیم که این اصل اساسی در کنار اصل تناسب و ترتیب به خوبی فهم می‌شود.

اصل کل‌نگر

هر فردی در سازمان وظیفه مشخص و معینی دارد و به تعبیری نقشی را ایفا می‌کند ولی با این حال همه افراد فهم جامع و خوبی نسبت به کل ساختار دارند و متوجه هستند که اولا ساختار غایت بزرگی را دنبال می‌کند و ثانیا وظایف من به عنوان فردی از افراد این ساختار در تحقق غایت ساختار بسیار مهم و موثر است. براساس این اصل افراد سازمان نسبت به کل جایگاه‌ها و نقش‌های ساختار حساس هستند و اگر قسمتی از این ساختار وظیفه خود را به خوبی انجام ندهد، احساس می‌کند که سازمان از هدف نهایی خود فاصله گرفته است و زحمات او هم از بین رفته است. اگر این حس در سازمان وجود نداشته باشد که غایت مشترکی وجود دارد و حرکتی جمعی باید وجود داشته باشد تا غایت حاصل شود، روح جمعی سازمانی شکل نمی‌گیرد و اساسا غایات ساختارهای تربیتی محقق نخواهد شد. براساس اصل کل‌نگر بودن است که احساس تعلق افراد به سازمان چند برابر می‌شود و امر به معروف و نهی از منکر سازمانی معنا پیدا می‌کند.

اصل کلان‌الگو

براساس این اصل هر ساختاری یک وجود منحصربه‌فردی برای خود دارد و علی‌رغم اشتراکاتی که بین ساختارهای باید مشاهده کرد ولی تمایزات جدی بین تمام ساختارها وجود دارد که هر کدام را منحصربه‌فرد می‌کند. آنچه در کلان‌الگو سازمان به آن اشاره می‌شود چهارچوب‌های کلی سازمانی است که از مبانی و اصول شروع می‌شود تا کلیت برنامه‌ریزی درسی و ساختار کلان مدرسه‌داری را دربر می‌گیرد و هر ساختاری به اقتضا و شرایط فرهنگی و جغرافیایی خود باید این کلیات را به عملیات تبدیل و راهکارهای اجرایی را برای آن طراحی کند. ساختارها باید بتوانند مبتنی بر کلان‌الگو عمل کرده و ساختارهای بومی خودشان را ذیل ساختارهای کلان، سازماندهی کنند تا بتوانند هویت متمایز و مستقل خود را بسازند. بنابراین ساختارها باید از یک اصول کلان راهبردی استفاده و ساختارهای متنوع و ناظر به عملیات خودشان را طراحی کنند تا بتوانند نیازهای متناسب با هویت فردی و مسائل جنسیتی، اقتضائات بافت فرهنگی و بوم جغرافیایی خودشان را پاسخ دهند.

اصل خودمانایی

اصل خودمانایی به این معناست که تمام اجزای یک سیستم مانند کل سیستم است و براساس این اصل تمام قواعد و قوانین حاکم بر کل سیستم بر تک تک اجزای آن نیز صادق است. به طور مثال کرامت نفس حقیقتی کلی است که اگر در انسان حفظ شود آثار مطلوبی دارد. اگر این قاعده بر کلیت انسان صادق باشد، بر تمام افراد انسانی نیز صادق خواهد بود و به تبع آن، بر ساختارهای کلان و جزئی نیز صدق می‌کند. از آنجا که ساختارها دارای روح جمعی هستند که از آن با عنوان اصالت جامعه یاد می‌شود و این روح جمعی در تمام اجزا ساختار حضور دارد، طبیعتا تمام قواعد کلان ساختار بر اجزای خرد آن نیز سرایت می‌کند. از آنجا که سازمان‌ها بسیار وسیع و پیچیده شده‌اند، طبیعتا راهبری و نظارت بر آنها بسیار سخت و دشوارتر شده است و به مراتب، ساختارهای تربیتی بسیار پیچیده‌تر و دشوارتر هستند. براساس اصل خودمانایی سازمان باید بتواند اصول کلی و حاکم بر ساختار خود را شناسایی و با راهبری این قواعد ثابت در تمام سطوح سازمان خود، مسیر اصلاح تمام اجزای ساختار تربیتی خود را هموار کند. بنابراین اگر سازمان بتواند مولفه‌های گلوهگاهی ساختار خود که همان قوانین حاکم بر ساختار تربیتی است را شناسایی و اصلاح کند، تمام سطوح پیچیده ساختارهای تربیتی نیز اصلاح می‌شود.

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
سردبیر:
مسعود فروغی
تلفن وفکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری، روبه‌روی ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم